# چهل حدیث وحدت

# سخنان اهل بیت علیهم السلام در تشویق به وحدت و نهی از تفرقه و اختلاف

## آثار وحدت:

امام علی (علیه السلام): . . . فَانْظُرُوا کیف کانوا حیث کانت الاملاء مُجْتَمِعَةً وَ الاهواء مُؤْتَلِفَةً وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَ الایدی مُتَرَادِفَةً ، وَ السیوف مُتَنَاصِرَةً وَ الْبَصَائِرُ نَافِذَةً وَ الْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمَ یکونوا أَرْباباً فی أَقْطَارِ الأرضین وَ ملوکا علی رِقَابٍ العالمین.[[1]](#footnote-1)

پس بنگرید، چگونه بودند «قوم بنی اسرائیل» زمانی که جمعیتها گرد آمده، و اندیشه ها با هم و دلها یکسان و دستها یاور هم و شمشیرها کمک یکدیگر و بینش ها ژرف و تصمیمات یکی بود، آیا در اطراف زمین «شهرها»، بزرگ و بر همه جهانیان حاکم نبودند؟

## آشتی دادن:

امام صادق (علیه السلام): صَدَقَةُ یحبها اللَّهِ اصلاح بین النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبُ بینهم إِذَا تَبَاعَدُوا.[[2]](#footnote-2)

ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف، و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدائی، صدقه ایست که خداوند آن را دوست دارد.

## ایجاد وحدت:

امام علی (علیه السلام): صَلَاحُ ذَاتِ البین أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصیام.[[3]](#footnote-3)

اصلاح اختلاف ها، از تمامی نمازها و روزه ها برتر است.

## اهل بیت (علیهم السلام)

قالت فاطمة الزهراء ( علیها السلام) : .. و طاعتنا نظاما للملة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام.[[4]](#footnote-4)

فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است.

## انس و الفت:

امام باقر (علیه السلام): . . یا مَعْشَرَ المؤمنین تَأَلَّفُوا وَ تَعَاطَفُوا.[[5]](#footnote-5)

هان ای گروه مؤمنان، مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.

## الفت و دوستی

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) :خیر المؤمنین من کان مألفة للمؤمنین و لا خیر فیمن لایألف و لایؤلف.[[6]](#footnote-6)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود خیری ندارد.

## اختلاف، اندوه بزرگ علی (علیه السلام):

امام علی (علیه السلام): . . . فیا عَجَباً! وَ اللَّهُ یمیت الْقَلْبِ وَ یجلب الْهَمَّ مِنِ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ علی بَاطِلِهِمْ وَ تفرقکم عَنْ حقکم.[[7]](#footnote-7)

شگفتا و عجبا! بخدا سوگند، وحدت اینان در راه باطل خود، و پراکندگی شما از راه حق، مایه دلمردگی و فزونی غم و اندوه است.

## اختلاف، آفت اندیشه

قال الإمام علی (علیه السلام): ألخلاف یهدم الرأی.[[8]](#footnote-8)

امام علی (علیه السلام) فرمود: اختلاف، بنیاد «اندیشه درست» را درهم می ریزد.

## اختلاف، عذاب الهی:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): أَلجَمَاعَةٍ رَحْمَةُ وَ الفرقه عَذابٍ.[[9]](#footnote-9)

جماعت «وحدت»، مایه رحمت و تفرقه، موجب عذاب است.

## اختلاف، گسستن از اسلام:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةِ شِبْراً خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ.[[10]](#footnote-10)

هر کس یک وجب از جامعه «مسلمین» دور شود، خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند.

## اختلاف، موجب هلاکت:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ کان قبلکم اخْتَلَفُوا فهلکوا.[[11]](#footnote-11)

اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.

## برادری اسلامی:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): ألمسلمون إِخْوَةً لا فَضْلُ لِأَحَدٍ علی أَحَدُ إِلَّا بالتقوی.[[12]](#footnote-12)

مسلمانان با هم برادرند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوی.

## برادری، فرمان خدا:

امام صادق (علیه السلام): تَوَاصَلُوا وَ تَبَارُّوا وَ تَرَاحَمُوا وَ کونوا إِخْوَةً أَبْرَاراً کما أمرکم اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.[[13]](#footnote-13)

همان گونه که خدای عزوجل به شما دستور داده، با هم پیوند داشته باشید، به یکدیگر نیکی کنید، و برادرانی نیکوکار باشید.

## برتری نژادی، هرگز

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) : یا أیها الناس، إن الرب واحد و الاب واحد و إن الدین واحد لیست العربیة لأحدکم باب و لا أم و إنما هی اللسان فمن تعلم العربیة فهو عربی.[[14]](#footnote-14)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای مردم، پروردگار شما یکی است «الله» ، پدر همه شما یکی است «آدم» ، و دین همه یکی است «اسلام» ، و عربیت، پدر و مادر هیچ یک از شما نیست، بلکه آن هم یکی از زبانهاست و هر کس زبان عربی را بیاموزد، عربی است.

## بنی آدم اعضای یکدیگرند:

امام صادق (علیه السلام): إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةُ بَنُو أَبٍ وَ أُمٍّ وَ إِذَا ضَرَبَ علی رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقُ سَهِرَ لَهُ الاخرون.[[15]](#footnote-15)

مؤمنان، با یکدیگر برادرند، و همگی فرزندان یک پدر و مادر و چون رگ یکی از آنان زده شود «مصیبتی بر او وارد شود» دیگران در غم او خوابشان نبرد.

## بهترین مومنین:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم):  خیر المؤمنین مَنْ کان مَأْلَفَةً للمؤمنین وَ لَا خیر فیمن لایألف وَ لایؤلف.[[16]](#footnote-16)

بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود خیری ندارد.

## پیوندهای اجتماعی:

امام علی (علیه السلام) در وصیت به حسنین (علیهما السلام): . .. وَ علیکم بِالتَّوَاصُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ ایاکم وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ.[[17]](#footnote-17)

.. و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر.

## پیامدهای اختلاف:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): مَا اخْتَلَفَ أَمَةً بَعْدَ نبیها الَّا ظَهَرَ أَهْلِ بَاطِلِهَا علی أَهْلِ حَقَّهَا.[[18]](#footnote-18)

هیچ امتی پس از پیامبرشان، اختلاف نکردند مگر آنکه گروه باطل بر حق گرایان چیره شدند.

## پیوند روحی:

امام باقر (علیه السلام): إِنَّ اللَّهَ عزو جَلَّ خَلَقَ المؤمنین مِنْ طینة الْجِنَانِ وَ أجری فیهم مِنْ ریح رُوحَهُ فلذلک الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لأبیه وَ أُمِّهِ فَإِذَا أَصَابَ رُوحاً مِنْ تلک الْأَرْوَاحِ فی بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ حُزْنُ، حَزِنَتْ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا.[[19]](#footnote-19)

خداوند، مؤمنان را از خاک بهشت آفرید و از روح خود در آنان دمید، از این رو مؤمن با مؤمن، برادر پدر و مادری است پس هرگاه که به یکی از آنان در دیاری اندوهی برسد، دیگری هم در غم او اندوهگین می شود.

## تفرقه حق طلبان

قال الامام علی (علیه السلام) :و إنی و الله لأظن أن هؤلاء القوم سید الون منکم باجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم و بمعصیتکم إمامکم فی الحق و طاعتهم إمامهم فی الباطل.[[20]](#footnote-20)

امام علی (علیه السلام) می فرماید: .. بخدا سوگند! گمان دارم اینان قدرت را از شما بگیرند، زیرا آنان بر باطل خویش، وحدت دارند و شما در حق خود پراکنده اید، آنان از رهبر خود در مسیر باطل اطاعت می کنند و شما از رهبر خود در راه حق فرمان نمی برید.

## تکرو، شکار شیطان:

امام علی (علیه السلام): . . . فَإِنْ ید اللَّهِ علی الْجَمَاعَةِ وَ ایاکم وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ للشیطان، کما أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ.[[21]](#footnote-21)

دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه بپرهیزید، زیرا شخص تکرو، شکار شیطان است همانگونه که گوسفند تکرو، طعمه گرگ است.

## تعاون و همکاری:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): أَلِمُؤْمِنٍ لِلْمُؤْمِنِ کالبنیان الْمَرْصُوصِ یشد بَعْضُهُ بَعْضاً.[[22]](#footnote-22)

مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می بخشند.

## جامعه، یک خانواده بزرگ:

امام سجاد (علیه السلام) به زهری: . . . یا زهری، أَمَّا علیک أَنْ تَجْعَلَ المسلمین منک بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ بیتک، فَتَجْعَلَ کبیرهم بِمَنْزِلَةِ والدک، وَ تَجْعَلُ صغیرهم بِمَنْزِلَةِ ولدک، وَ تَجْعَلُ تربک مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ أخیک.[[23]](#footnote-23)

ای زهری، چه می شود که مسلمانان را مانند اهل خانه خود بدانی، بزرگ آنان را بمنزله پدر خود و کوچکشان را بمنزله فرزند و همسال خود را بمنزله برادرت قرار دهی.

## جزای جدایی:

امام صادق (علیه السلام): مَنْ فَارَقَ جَمَاعَة المسلمین وَ نکث صَفْقَةً الامام جَاءَ إلی اللَّهِ أَجْذَمُ.[[24]](#footnote-24)

هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد.

## خدا، پیامبر، قرآن

قال الامام علی (علیه السلام) : «فی ذم أهل الرأی» .. و إلههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد أفأمرهم الله سبحانه بالإختلاف فأطاعوه أم نهاهم عنه فعصوه؟[[25]](#footnote-25)

امام علی (علیه السلام) فرمود: خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می کنند؟

## خطر تکروی

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) :ثلاثة لاتسأل عنهم: رجل فارق الجماعة و عصی إمامه و مات عاصیا و أمة او عبد ابق من سیده فمات.

و امرأة غاب عنها زوجها و قد کفاها مؤونة الدنیا فتبرجت بعده، فلاتسأل عنهم.[[26]](#footnote-26)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: از سه کس مپرس؛ 1 مردی که از جماعت مسلمین دوری گزیند، و امام خود را نافرمانی کند، و در آن حال بمیرد. 2 کنیز یا بنده ای که در حال گریز از آقای خود بمیرد. 3 زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و در غیبت شوهرش، آرایش و خودنمایی کند، از اینها مپرس.

## دین زدائی:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): أَلَا إِنَّ فی التَّبَاغُضِ الْحَالِقَةُ لَا أعنی حَالِقَةَ الشَّعْرِ وَ لکن حَالِقَةَ الدین.[[27]](#footnote-27)

آگاه باشید که در دشمنی ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.

## ذلت، سرانجام اختلاف:

امام علی (علیه السلام): . . . فَانْظُرُوا إلی مَا صَارُوا الیه فی أَخَّرَ أُمُورِهِمْ حین وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ تَشَتُّتَ الْأُلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الکلمة وَ الْأَفْئِدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مختلفین وَ تَفَرَّقُوا متحاربین قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ کرامته وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بقی قَصَصُ أَخْبَارِهِمْ فیکم عَبَراً للمعتبرین.[[28]](#footnote-28)

پس بنگرید به آخر کارشان «قوم بنی اسرائیل» آن هنگام که بین آنها تفرقه افتاد، و مهربانی و الفت ها بهم خورد و سخنها و دلها مختلف و گروه گروه شدند و به جان هم افتادند و پراکنده گشتند و با هم جنگیدند، پس خداوند، لباس عزت را از تن آنها برکند و فراوانی نعمتش را از آنها گرفت و آنچه باقی مانده، سرگذشت آنان است تا مایه عبرت، عبرت گیرندگان باشد.

## رهبری و وحدت:

امام علی (علیه السلام): وَ مکان القیم بالامر مکان النِّظَامِ مِنَ الْخَرَزِ یجمعه وَ یضمه فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرَزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ یجتمع بحذافیره أَبَداً.[[29]](#footnote-29)

جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را بهم پیوند داده و جمع می کند، و آنگاه که آن رشته بگسلد، دانه ها پراکنده گشته و هرگز تمام آنها جمع نخواهند شد.

## سبب اختلاف:

امام علی (علیه السلام): لَوْ سکت الْجَاهِلِ مَا اخْتَلَفَ النَّاسِ.[[30]](#footnote-30)

اگر جاهل سکوت می کرد، مردم اختلاف نمی کردند [سبب بسیاری از اختلافات، سخنهای ناآگاهانه است].

## عوامل وحدت:

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): ألمؤمنون إِخْوَةً تتکافؤ دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ ید علی مَنْ سِوَاهُمْ.[[31]](#footnote-31)

مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند.

## فرمان وحدت:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): إسمعوا وَ أطیعوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهِ الْأَمْرِ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.[[32]](#footnote-32)

از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است.

## فلسفه رهبری

قال الامام علی (علیه السلام) :فرض الله الإمامة، نظاما للأمة و الطاعة تعظیما للإمامة.[[33]](#footnote-33)

امام علی (علیه السلام) فرمود: امامت، موجب نظم و هماهنگی مردم و اطاعت، برای عظمت رهبری است.

## مدد الهی در سایه وحدت:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): ید اللَّهِ علی الْجَمَاعَةِ . . .[[34]](#footnote-34)

دست خدا بر سر جماعت است.

## مذمت اختلاف و دو دستگی:

امام علی (علیه السلام): . . وَ إلاههم وَاحِدٍ وَ نبیهم وَاحِدٍ وَ کتابهم وَاحِدُ أَ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بالإختلاف فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ؟[[35]](#footnote-35)

خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می کنند؟

## مرگ جاهلی:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةِ مَاتَ میتة جاهلیة.[[36]](#footnote-36)

هر کس از گروه «مسلمانان» جدا شود بر مرگ جاهلیت بمیرد.

## محور وحدت

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) : .. فأنتم «اهل البیت» أهل الله عزوجل الذین بهم تمت النعمة و اجتمعت الفرقة و ائتلفت الکلمة.[[37]](#footnote-37)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.

## وحدت و هماهنگی در حرکتهای نظامی:

امام علی (علیه السلام): . . . ایاکم وَ التَّفَرُّقَ فَإِذَا نَزَلْتُمْ فَانْزِلُوا جمیعا وَ إِذَا ارْتَحَلْتُمْ فَارْتَحِلُوا جمیعا.[[38]](#footnote-38)

از تفرقه و جدایی بپرهیزید، سپس هرگاه در جائی فرود آمدید، همگی فرود آئید و هرگاه کوچ کردید، با هم کوچ کنید.

## وحدت، پایه دین

قال الإمام الرضا (علیه السلام) :إن الإمامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین، ان الإمامة أس الإسلام النامی و فرعه السامی.[[39]](#footnote-39)

امام رضا (علیه السلام) فرمود: امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. رهبری، پایه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است.

## همدردی:

امام باقر (علیه السلام): ألمؤمنون فی تَبَارِّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ کمثل الْجَسَدَ، إِذَا اشتکی تداعی لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الحمی.[[40]](#footnote-40)

مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد تمام اعضاء در تب و بیخوابی گرفتار آیند.

1. نهج البلاغه، خطبه 192. [↑](#footnote-ref-1)
2. الکافی، جلد 2، ص 209. [↑](#footnote-ref-2)
3. نهج البلاغه، وصیت 47. [↑](#footnote-ref-3)
4. کشف الغمة، جلد 2، ص .109. [↑](#footnote-ref-4)
5. الکافی، جلد 2، ص 345. [↑](#footnote-ref-5)
6. بحار الانوار، جلد 71، ص 393. [↑](#footnote-ref-6)
7. نهج البلاغه، خطبه 27. [↑](#footnote-ref-7)
8. نهج البلاغه حکمت .215. [↑](#footnote-ref-8)
9. نهج الفصاحه، حدیث 23. [↑](#footnote-ref-9)
10. کافی، جلد 1، ص 404 نهج الفصاحه، 69. [↑](#footnote-ref-10)
11. کنز العمال، حدیث 894. [↑](#footnote-ref-11)
12. کنز العمال، جلد 1، ص 149؛ نهج الفصاحه، حدیث 12. [↑](#footnote-ref-12)
13. وسایل الشیعه، جلد 8، ص 552، حدیث 3. [↑](#footnote-ref-13)
14. معالم الحکومه 404. [↑](#footnote-ref-14)
15. الکافی، جلد 2، ص 5. [↑](#footnote-ref-15)
16. بحار الانوار، جلد 71، ص 393. [↑](#footnote-ref-16)
17. نهج البلاغه، نامه 47. [↑](#footnote-ref-17)
18. کنز العمال، حدیث 9. [↑](#footnote-ref-18)
19. الکافی، جلد 2، ص 6. [↑](#footnote-ref-19)
20. نهج البلاغه، خطبه .25. [↑](#footnote-ref-20)
21. شرح نهج البلاغه، جلد 8، ص 112. [↑](#footnote-ref-21)
22. صحیح مسلم، جلد 4، ص 1999؛ نهج الفصاحه، حدیث 3103. [↑](#footnote-ref-22)
23. بحار الانوار، جلد 68، 230؛ بلاغة الامام علی بن الحسین (علیه السلام)، ص 55، باب الخطب. [↑](#footnote-ref-23)
24. کافی، جلد 1، ص 405. [↑](#footnote-ref-24)
25. نهج البلاغه، خطبه 18. [↑](#footnote-ref-25)
26. نهج الفصاحه، .1224. [↑](#footnote-ref-26)
27. کافی، جلد 2، ص 6. [↑](#footnote-ref-27)
28. نهج البلاغه، خطبه 2. [↑](#footnote-ref-28)
29. نهج البلاغه، خطبه 146. [↑](#footnote-ref-29)
30. بحار الانوار، ج 75، ص 81. [↑](#footnote-ref-30)
31. کافی، جلد 1، ص 404. [↑](#footnote-ref-31)
32. امالی مفید، جلد 1 ص 14. [↑](#footnote-ref-32)
33. نهج البلاغه، حکمت 252. [↑](#footnote-ref-33)
34. نهج الفصاحه، 11. [↑](#footnote-ref-34)
35. نهج البلاغه، خطبه 18. [↑](#footnote-ref-35)
36. نهج الفصاحة، 55. [↑](#footnote-ref-36)
37. الکافی، جلد 1، ص .446. [↑](#footnote-ref-37)
38. نهج البلاغه، وصیت 11. [↑](#footnote-ref-38)
39. کافی، جلد 1، ص 200. [↑](#footnote-ref-39)
40. بحار الانوار، جلد 71، ص 4. [↑](#footnote-ref-40)